

شماره چهار

خطبه منای امام حسین (ع)





www.edalatkhahi.ir





خطبه منای امام حسین (ع) در سال ۶۰ هجری

ترجمه استاد رحیم پور ازغدی

مدت زمان مطالعه : ۲۰ دقیقه

زمان: سال ۶۰ هجری (یک سال قبل از عاشورا)
حاضر: ۲۰۰ صحابی پیامبر ۵۰۰ نفر از تابعین و صدها تن از آگاهان امت
مخاطب: همه ی تاریخ

بسم الله الرحمن الرحيم

*ای مردم، بزرگان عبرت بگیرید از موعظه ای که خداوند به دوستان خود در قرآن می فرماید اگر شما خود را اولیای خدا می دانید، و اگر دین دارید و مخاطب قرآن هستید پس بی تفاوت نمانید و احساس تکلیف کنید! آیا ندیده اید که خداوند چند بار در قرآن به روحانیون مسیحی و یهودی به شدت حمله فرموده و آن ها را توبیخ کرده است که چرا مردان خدا در جامعه و حکومت بی عدالتی و فساد دیدند و سکوت کردند؟ چرا اعتراض و انتقاد نکردند؟ و فریاد نکشیدند؟ و نیز فرمود: «نفرین بر کسانی از بنی اسرائیل که کافر شدند. آن ها که امر به معروف و نهی از منکر نکردند، و چه بد عمل کردند.»

* خداوند علمای مسیحی، یهودی و روحانیون و آگاهان ادیان قبل را نکوهش کرد زیرا استمگرانی جلوی چشم آن ها فساد می کردند و اینان می دیدند و سکوت می کردند و دم بر نمی آوردند. خداوند چنین کسانی را کافر خوانده و توبیخ کرده که چرا در برابر بی عدالتی و تبعیض و فساد در حکومت و جامعه ی اسلامی ساکت هستید و همه چیز را توجیه و ماست مالی می کنید و رد می شوید؟ چرا سکوت کرده اید؟ علت آن این است که عده های از شما می خواهید که سبیل تان را چرب کنند و عده ای از شما هم می ترسید که سبیل تان را دود بدهند. عده های طمع سفره دارید و سفره ی چرب می خواهید تا بخورید و می گویند که چرا خودمان را به زحمت بیندازیم و با نهی از منکر و انتقاد و اعتراض ریسک کنیم؟ فعلا که بساط مان رو به راه است و عده ای از شما نیز می ترسید. اما مگر در قرآن نمی خوانید که فرمود از مردم نترسید از حاکمان و صاحبان قدرت و ثروت نیز نترسید از من بترسید! آیا شما این آیه را ندیده اید؟ **آیا سوره ی توبه را نخوانده اید که می گوید زنان و مردان مومن نسبت به یکدیگر ولایت اجتماعی دارند و حق دارند در کار یکدیگر دخالت بکنند.** به این اندازه که یکدیگر را امر به معروف و نهی از منکر کنند. خداوند این حق و اجازه را داده است که شما نسبت به یکدیگر بی تفاوت نباشید بلکه حساس باشید. اگر همین یک اصل امر به معروف و نهی از منکر یعنی نظارت دائمی و انتقاد و اعتراض و تشویق به خیرات و عدالت و مبارزه در برابر ظلم و بی عدالتی و تبعیض اجرا بشود بقیه ی فرائض، تکالیف الهی نیز اجرا می شود و همین یک حکم را شما عمل بکنید! نترسید! دنبال دنیا نباشید! سوز چران نباشید! اما هیئات که شما اهل همین یک تکلیف هم نیستید. ولی من هستم. امر به معروف و نهی از منکر دعوت به اسلام و دین است منتها دعوت زبانی تنها نه صرفا این که ای مردم بیایید و مسلمان شوید! اسلام خوب است و به بعضی شبهاتتان پاسخ بدهیم و تمام. اما نهی از منکر بارد مظالم، جبران همه ی بی عدالتی هایی که می شود و شده است. و نه صرفا گفتن این که عدالت خوب است و ظلم بد است. یعنی در برابر ظلم و ستم هایی که شده، ایستادن و آن ها را عقب زدن و جبران بی عدالتی ها، وظیفه عملی شماست. باید درگیر شوید و با استمگران، چشم در چشم بایستید و بگویید: نه! باید انتقاد و اعتراض کنید و یقه شان را بگیرید. تقسیم عادلانه بیت المال و اموال عمومی و توزیع عادلانه



ثروت حکم خداست. گرفتن مالیات از ثروتمندان و هزینه کردن آن به نفع فقرا ادامه همان تکلیف است. شما گروهی که به آدم های خوب مشهورید و عالمان دین خوانده می شوید، به خاطر خداست که در نزد مردم هیبت دارید و هم بزرگان و هم ضعفا از شما حساب می برند.

* به نام دین از شما حساب می برند و احترام می گذارند و شما را بر خودشان ترجیح می دهند. در حالی که هیچ فضیلتی بر آن ها ندارید. و هیچ خدمتی به این مردم نکرده اید. و مردم مجانی برای شما احترام قائلند. و شفاعت شما را می پذیرند. شما به نام دین است که اعتبار و نفوذ کلمه دارید. در خیابان ها مثل شاهان نام می برید. و با هیبت و کبکبه رفتار می کنید. به راستی چگونه به این احترام و اعتبار اجتماعی رسیده اید. فقط به این علت که مردم از شما توقع دارند که به حق خدا قیام کنید. اما شما در اغلب موارد از انجام وظیفه و احقاق حق الهی کوتاهی کرده اید و حق رهبران الهی را کوچک شمرده اید.

* حق مستضعفان و طبقات محروم جامعه را تصبیح کرده اید. شما نسبت به حق ضعفا و محرومین کوتاه آمده اید. این حقوق را نادیده گرفته اید و سکوت کرده اید اما هر چیز که فکر می کردید حق خودتان است مطالبه کردید. شما هر جا حق ضعفا و مستضعفین بود کوتاه آمدید و گفتید ان شاء الله خدا در آخرت جبران می کند اما هر جا منافع خودتان بود آن را به شدت مطالبه کردید و محکم ایستادید. شما نه مالی در راه خدا بذل کردید و نه جان تان را در راه ارزش ها و عدالت به خطر انداختید و نه حاضر شدید با قوم و خویش ها و دوستان تان به خاطر خدا و اجرای عدالت و اسلام درگیر بشوید. با همه ی این کوتاهی ها از خدا بهشت را هم می خواهید؟ پس از همه ی این عافیت طلبی ها و دنیا پرستی ها منتظرید که در بهشت همسایه ی پیامبران او باشید! در حالی که من می ترسم خداوند در همین روزها از شما انتقام بگیرد. خداوند از شما انتقام خواهد گرفت. مقام شما از کرامات خداست. دستاورد خودتان نیست. شما مردان الهی و مجاهدان و عدالت خواهان را اکرام و احترام نمی کنید و تکلیف شناسان را قدر نمی دهید. حال آن که به نام خدا در میان مردم محترم اید. می بینید که پیمان های خدا در این جامعه نقض می شود و آرام نشسته اید و فریاد نمی زنید اما همین که به یکی از میثاق های پدران تان بی حرمتی شود داد و بیداد به راه می اندازید. میثاق خدا و پیامبر خدا زیر پا گذاشته شده، شما آرام اید، سکوت کرده و آن را توجیه می کنید. حال میثاق پیامبر در این جامعه تحقیر شده است؛ لال ها، زمینگیران، کوران، فقرا و بیچاره ها در سرزمین های اسلامی بر روی زمین رها شده اند و بی پناهند و کسی به این ها رحم نمی کند. شما به این وظیفه ی دینی و الهی تان عمل نمی کنید و کسی مثل من هم که می خواهد عمل کند، کمکش نمی کنید. میثاق خدا این است که بیچاره ها و زمین گیرها نباید در شهرها گرسنه بمانند و کسی به دادشان نرسد. این میثاق خداست و شما خیانت کرده اید. شما مدام به دنبال ماست مالی و مسامحه؛ یعنی سازش با حاکمیت هستیید تا خودتان امنیت داشته باشید، ولی امنیت و حقوق مردم برایتان مهم نیست. فقط امنیت و منافع خودتان

برایتان مهم است. همه ی این ها محرّمات الهی بود که می بایست ترک می کردید و نکردید.

* شما می بایست این ستمگران و فاسدان را نهی از منکر می کردید و نکردید، و مصیبت تان از همه بالاتر است. چون عالم به دین و اصحاب پیامبر بودید و چشم مردم به شما بود و شما را نماینده ی اسلام می دانستند. مجرای حکومت و مدیریت و رهبری جامعه باید به دست علمای الهی باشد که امین بر حلال و حرام خداوند هستند، اما شما کاری کردید که این مقام را از آن ها گرفتند و موفق شدند حکومت را منحرف کنند، زیرا شما زیر پرچم حق متحد نشدید و پراکنده و متفرق شدید و در سنت الهی اختلاف کردید با این که همه چیز روشن بود. اگر حاضر بودید زیر بار شکنجه و توهین، مخالفت کنید و در راه خدا رنج ببرید، حکومت در دست صالحان بود، اما شما در برابر بی عدالتی و ستمگران، تمکین و امور الهی و حکومت را به اینان تسلیم کردید، حال آن که آنان به شبهات عمل می کنند و طبق شهادت خود حکومت می کنند و دین را از حکومت تفکیک کردند. فرار شما از مرگ، اینان را بر جامعه مسلط کردند، شما به زندگی دنیایی چسبیده اید و حاضر نیستید از آن جدا شوید. اما بدانید که هر کس در راه خدا کشته نشود، عاقبت می میرد. **آیا گمان می کنید اگر شهید نشوید تا ابد زنده می مانید؟ اما اگر شهید نشوید، مدتی بعد با ذلت می میرید. شما از دنیا دست بر نمی دارید، اما دنیا از شما دست بر می دارد.** پس ای علمای الهی، تا دیر نشده جانتان را در خطر بیناندازید و از حیثیت تان در راه دین و ارزش های مایه بگذارید و فداکاری کنید. شما این ضعفا و مستضعفین و فقرا و محرومین را دست بسته تحویل دستگاه ظالم داده اید. گروه هایی از مردم برده ی اینان شده اند و مثل برده های مقهور و شکست خورده، زیر دست و پای آنان له می شوند. عده های نان شب شان را نمی توانند تهیه کنند. در هر شهری عده های را گماشته اند که افکار عمومی را بسازند و به مردم دروغ بگویند. مردم نمی توانند دستی را که به سمت شان می آید تا به آن ها زور بگویند، عقب بزنند و از خود دفاع کنند. شما همه ی این صحنه ها را می دیدید و کاری نمی کردید. اینان عده ای ستمگر و صاحبان قدرت اند که علیه ضعفا و محرومین بسیار خشن عمل می کنند و به روش غیر اسلامی حکومت می کنند و متاسفانه بی چون و چرا هم اطاعت می شوند. در حالی که نه خدا را می شناسند و نه آخرت را قبول دارند. **تعجب می کنم از شما که این زمین زیر پای ظالمان صاف و پهن است، عده ای باج بگیر حکم می رانند، و کارگزاران حکومت هم بویی از عاطفه و انسانیت و مهربانی نبرده اند و شما هم باز ساکتید.**

* خدایا تو میدانی که قیام ما له زدن برای سلطنت، تنافس در قدرت و گدایی دنیا و شهرت نیست، بلکه تنها برای برپا کردن نشانه های دین تو قیام کردیم. این علامت های راهنمایی و تابلوهای راه را انداخته اند و من می خواهم دوباره این تابلوها را برپا کنم. **قیام برای این است که مردم گیج و گمراه شده اند و باید آگاه شوند و باید خونمان را به صورت این خواب زده ها بپاشیم تا بیدار شوند.**





جنبش عدالتخواه دانشجویی

www.edalatkahi.ir

